

نظارت بر عملکرد حرفه ای قضات در محاکم کیفری با رویکرد پیشگیری از تخلفات در انطباق با قانون نظارت بر رفتار قضات

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۸)

مریم پورباقی^۱

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه پیام نور کرج

دکتر کریم بخنوه

دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور کرج

چکیده

ظهور مسند قضاوت در محاکم کیفری جهت برقراری اعتدال بین حقوق جامعه، بزه دیده و بزهکار از ضرورت بررسی عوامل موثر بر تصمیمات قضات و بازرسی سازمان یافته عملکرد حرفه ای شان نمی گاهد. حس امنیت ملی و فراملی تنها با برپایی دستگاه قضا تامین نخواهد شد بلکه به کار گماردن قضات متخصص و مقید به قانون و نیز نظارت مستمر بر رفتار حرفه ای آنها در مسند قضاوت سرنوشت ساز خواهد بود. بررسی تحلیلی و جزئی تر قوانین نظارتی بر رفتار قضات می تواند نکات مبهم و مشکل آفرین را در مواد قانونی بررسی نماید تا شاید به طور علمی و عملی در فرآیند قانونگذاری های آینده تاثیر گذار باشد. «قانون نظارت بر رفتار قضات ۱۳۹۰» در بررسی تخلفات رفتار حرفه ای قضات و صدور احکام کیفری ناصحیح دست آوردهای مهم و قابل توجهی داشته است که اهمیت بازرسی عملکرد قضات در محاکم کیفری ضمن حفظ حرمت جایگاه والا و مقدس قضاوت و تضمین استقلال حرفه ای قضات را متذکر می گردد. در مقاله پیشروی جمع آوری مطالب به روش تحلیلی و توصیفی بوده است که بر ضرورت تصویب قوانین نظارتی و بازرسی دقیق بر جنبه عملی و کاربردی تصمیمات کیفری قضات تاکید می نماید.

واژگان کلیدی: قضاوت، تخلفات قضات، نظارت بر رفتار قضات، دادرسی کیفری

با توجه به نقش به سزایی که بازرسی رفتار قضات در تصمیم گیری، عملکرد و صدور احکام کیفری دارد و از طرفی رعایت اعتدال در کنترل رفتار قضات الزامی است پس نتایج حاصل از این تحقیق می تواند در تعیین حوزه بازرسی رفتار قضات نقش برجسته ای داشته باشد تا هم مرحمی بر زخم زیاندیدگان از تخلفات قضایی باشد و هم تضمینی بر رعایت اصل انصاف در بدنه نظام قضایی کشور که در این راستا می بایست ملاک های ارزیابی عملکرد قضات که به قید قانون احصاء نشده است بازبینی شود که با اصل قانونی بودن جرم و مجازات در تناقض است و از طرفی می تواند هراسی مخرب در رفتار قاضی ایجاد کند و قدرت تصمیم گیری قاضی را تنزل دهد یا حتی باعث سوء استفاده سیستم بازرسی و ارزیابی عملکرد قضات شود و روزه ای برای گریز از رعایت چهارچوب های اصولی قانون در سیستم قضایی کشور باشد. اگرچه در «قانون بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰» در بررسی تخلفات رفتار حرفه ای قضات دستاوردهای مهم و قابل توجهی داشته است اما از آنجا که پس از تصویب هر قانونی کم و کاستی های اجرایی و ممتنی آن پس از مدتی به عرصه ظهور می رسد، پیشنهادات و انتقادات مجریان قانون، حقوقدانان، نویسندگان و اساتید حقوق می تواند برای تشخیص و رفع نقایص مطروحه کارآمد باشد و جنبه عملی و کاربردی در علم حقوق بیابد. بنابراین دستگاه قضاء می بایست سامانه ای را طراحی کند که پیشنهادات و انتقادات وارد بر چهارچوب قوانین حاکم بر محاکم کیفری را در زمینه های مختلف در ارتباط با عملکرد قضات دریافت کند و با هیأتی از متخصصان و کارشناسان حقوقی به تجزیه و تحلیل نظرات ارائه شده پردازد و آنها را به عرصه ظهور برساند. جهت نظارت مستمر و مؤثر بر رفتار قضات می بایست علاوه بر تصویب قوانین کاربردی و موشکافانه به صورت متناوب و بدون اعلام قبلی به طور منظم دستگاه قضاوت به آزمودن وضعیت روحی و شخصیتی قاضی پردازد. البته در این راستا باید احتیاطات لازم جهت شأن و منزلت قاضی در مسند رفیع قضاوت رعایت شود تا قاضی بتواند با تکیه بر حمایت دستگاه قضاء از خودش و اطمینان از استقلال حرفه ای اش و عدم نگرانی نسبت به تهدیدها یا اعمال نفوذهایی از مقامات بالاتر در صدور رأی و تصمیم نهایی اش درشرایطی مناسب و متعادل پس از اندیشه بر تمام مستندات پرونده و سنجیدن موقعیت ارتکاب جرم و بررسی خصوصیات جسمی و روانی متهم و تحلیل اظهارات شهود و دلایلی مدعی و تصمیمی منصفانه و عادلانه بگیرد.

روش تحقیق: این مقاله به روش تحلیلی و توصیفی نوشته شده است و جمع آوری مطالب از مقاله ها، پایان نامه ها و برخی سایت های معتبر در موضوعات مرتبط بوده است.

بخش اول: سیستم نظارتی حاکم بر تخلفات قضات

بند اول: مروری بر ادبیات موضوع

۱- مصونیت قضایی^۱

قاضی موظف است که به محاکمه و مجازات متخلفان و مجرمان در هر مقام و منزلتی که باشند، بدون دغدغه و آشفتگی خاطر رسیدگی نماید و اگر قاضی از تعرضات احتمالی صاحبان قدرت و حکومت مصون نباشد، نمی تواند به اتهام متهم و متخلف پردازد و به دور از شک و شبهه رای دهد. بنابراین مصونیت قضایی به عنوان یکی از مقتضیات قضاء می تواند استقلال قضایی را پشتیبانی کند تا ضمن حفظ شأن و منزلت قاضی به او آزادی عمل و اختیار داده شود که در کمال آرامش اقتدار به امر قضاوت پردازد. اگر چه معنای لغوی مصونیت در زبان فارسی محفوظ بودن و در زبان عربی دور از تعرض بودن است اما در معنای حقوقی اش محدودیت یا ممنوعیت بعضی الزامات قانونی و بهره مندی از حمایت های منطقی حقوقی است. در واقع مصونیت قضایی از انواع مصونیت های تشریفاتی است که در آن برخلاف و مصونیت های ماهوی، متهم قابل تعقیب و محاکمه است اما به جهت موقعیت خاص شغلی اش قبل از هر اقدام قضایی رعایت تشریفات مربوط از جانب مقام تعقیب الزامی می باشد. مصونیت قضات دادگستری در دو زمینه قابل بررسی است: ۱- مصونیت کیفری ۲- مصونیت شغلی

مصونیت کیفری: طبق ماده ۴۲ «قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات» مصوب ۱۲/۱۴/۱۳۳۳ «هرگاه در اثناء رسیدگی کشف شود که کارمند قضایی مرتکب جنحه یا جنایتی شده و دادستان انتظامی قضات آن را مقرون به دلایل قراین ببیند که تعقیب کیفری را ایجاب نماید، تعلیق کارمند مظنون را از شغل خود تا صدور رای نهایی مراجع کیفری، از دادگاه عالی انتظامی تقاضا می نماید و دادگاه پس از رسیدگی به دلایل، قرار متقاضی صادر خواهد نمود و در صورت برائت ایام تعلیق جزء مدت خدمت محسوب و مقرری آن به کارمند داده خواهد شد.» رعایت تشریفات مذکور از قوانین

^۱ Judicial immunity

آمره از و رعایت تعلیق و سلب مصونیت قاضی قضات دادگستری قبل از تعقیب دعوای کیفری به واسطه مقام تعقیب الزامی است. ابتدا مدارک و اسناد مرتبط با قاضی متهم را به دادسرای انتظامی قضات ارسال می‌نماید و درخواست شده را بررسی می‌نماید و در صورت کفایت اسناد مذکور وصحت انتساب جرم، از دادگاه عالی انتظامی قضات، تعلیق موقت قاضی متهم را درخواست می‌کند و پس از تحقیقات لازم در دادگاه عالی انتظامی قضات اگر قراین علیه قاضی متهم کافی باشد، تا خاتمه دادرسی و صدور حکم قطعی کیفری معلق می‌شود، در غیر این صورت درخواست تعلیق رد می‌گردد. در حال پرونده ضمن رای صادره به دادسرای انتظامی قضات باز می‌گردد تا در صورت صدور قرار تعلیق، رونوشت آنرا به مرجع کیفری تعقیب کننده اتهام بفرستد و با سلب مصونیت قضایی قاضی متهم به مقام تعقیب اجازه تحقیق و حتی صدور قرار تأمین را می‌دهد. البته تقاضای سلب مصونیت قاضی در صورتی ضرورت دارد که تعقیب، بازجویی و یا صدور قرار مجرمیت او لازم باشد، در نتیجه مصونیت قضایی به معنای مصونیت مطلق نیست. چه بسا اگر قاضی کیفری از مصونیت مطلق بهره‌مند بود، در صدور احکام کیفری بیشتر دچار تخلف و انحراف می‌شد زیرا نظارتی جهت محدود کردن او به قوانین کیفری نبود و یقین داشت که به ازای ارتکاب جرایم کیفری هرگز مجازات خواهد شد. فلسفه تعلیق حفظ شأن قضاوت دستیابی به بیطرفی دستگاه قضایی و عدم صلاحیت قاضی در اشتغال به این امر خطیر است. (سیفی، ۱۳۹۳، ۱۳۰)

مصونیت شغلی: طبق اصل ۱۶۴ قانون اساسی: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم و یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه یا تصمیم رئیس قوه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل.» رعایت شأن قاضی اقتضا می‌کند که جز در موارد مصرح قانون، شغل یا محل خدمت قاضی قابل تغییر یا انفصال نباشد تا قاضی بتواند به پشتوانه حمایت قوه قضاییه با اراده قوی بدون اضطراب به انجام وظیفه خود ادامه دهد و اطمینان داشته باشد که هرگز به صرف صدور رای در محکمه کیفری به حیثیت و اعتبار حرفه‌ای او آسیب وارد نخواهد شد و موقعیت شغلی اش دچار تزلزل و بی‌ثباتی نخواهد بود. ثبات شغلی قاضی به انسجام احکام کیفری می‌انجامد و اتحاد نظام قضایی کشور به انضباط عمومی جامعه ختم می‌شود. بنابراین دلیل مصونیت شغلی و کیفری قاضی به قرار زیر است:

۱- منافع، مصالح و نظم عمومی ۲- تضمین استقلال قاضی (احمری و احمدی، ۱۷، ۱۳۸۸)

بند دوم: مسئولیت قضایی^۱

مسئولیت بر دو رکن استوار است و آن هم تقصیر یا خطا و اهلیت است. (جمال لیوانی، ۱۷، ۱۳۹۴) مسئولیت در زبان فارسی به معنای پاسخ گویی به امری است که از فرد خواسته شده یا انجام وظیفه ای است که بر عهده او گذاشته شده است. مسئولیت واژه عربی است که در اصطلاح حقوقی به سبب فعل یا ترک فعلی ایجاد می شود که به فرد یا مصلحت عمومی جامعه آسیب وارد کند یا منجر به ضرر و زیان شود. مسئولیت قضایی در مباحث کیفری، مدنی و انتظامی می گنجد، اما از آنجا که نوشتار پیشروی با تمرکز بر عوامل موثر خارج از پرونده در تصمیمات قضات کیفری به موضوعات می پردازد، مشخصاً به بررسی مسئولیت انتظامی خواهیم پرداخت.

مسئولیت کیفری: مسئولیت کیفری قوی ترین شکل محکومیتی است که هدف از آن مجازات مجرم به جهت صیانت جامعه و پیشگیری از وقوع افعال مجرمانه است که می بایست با تقصیر موازنه داشته باشد. (انواری و موسوی، ۱۳۹۶، ۸) تقصیر شغلی به تناسب نقض اصول متعارف جایگاه حرفه ای قاضی رخ می دهد تفسیر حرفه ای قاضی در صدور احکام کیفری منجر به مسئولیت کیفری قاضی می شود. در واقع مسئولیت جزایی قاضی به سبب ارتکاب عملی است که در قانون به عنوان جرم تعریف شده و قانونگذار برایش مجازات مشخصی در نظر گرفته باشد. هنگامی که قاضی با سوء نیت به عمد با علم به مجرمانه بودن عملش و به اختیار خود مرتکب شود و رابطه علیت بین عمل مجرمانه و نتیجه ارتکاب جرم اثبات گردد، قاضی در قبال عمل خود مسئولیت کیفری داشته و باید پاسخگوی جامعه و آسیب های آن باشد. بنابراین طبق مواد ۵۷۵، ۵۷۸، ۵۸۰ و ۵۹۸ «قانون مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۹۲ به ترتیب دستور بازداشت و تعقیب کیفری یا صدور قرار مجرمیت بر خلاف قانون، اجبار متهم به اقرار با آزار و اذیت بدنی، ورود غیرمجاز به منزل غیر بدون رعایت ترتیبات قانون و عدم رسیدگی به تظلمات و شکایات قانونی از جمله جرایمی هستند که مقامات قضایی بیشتر گرفتار آنها می شوند و منتج به مسئولیت کیفری مرتکبان می گردد.

^۱ judicial responsibility

مسئولیت مدنی: مسئولیت مدنی ناشی از خسارت زیان وارده بر متضرر است که جهت جبران خسارت احیاء ضرر در مقابل فرد ایجاد می‌شود. احراز مسئولیت مدنی فارغ از اثبات سوء نیت است و بر اساس خطا (بی احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم رعایت نظامات دولتی) ایجاد می‌شود که ضمن رعایت تشریفات خاص، قابل رسیدگی در محاکم حقوقی است. طبق اصل ۱۷۱ قانون اساسی اگر قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص مرتکب تقصیر شود ضرر مادی یا معنوی به احدی وارد کند شخصاً باید خسارت وارده را جبران نماید، در غیر اینصورت دولت موظف به رفع ضرر از زیان‌دیده است. اگر قاضی مانند سایر مردم با سها انکاری در انجام وظیفه اش به مراجعین دستگاه قضاء خسارتی وارد سازد، دارای مسئولیت مدنی می‌شود ملزم به جبران خسارت خواهد بود.

مسئولیت انتظامی: مسئولیت انتظامی قضات به سبب تخلف^۱ انتظامی یا خطای انتظامی ایجاد می‌گردد که در واقع نقض تکالیف و وظایف محوله به موجب مقررات صنفی است. تخلف انتظامی در «قانون نظارت بر رفتار قضات» منجر به مسئولیت انتظامی می‌شود که سبب فعل یا ترک فعلی است که برخلاف دستورالعمل‌ها و قواعد صنفی توسط قاضی تحقق می‌یابد. تخلف انتظامی را به جرم انضباطی یا تقصیر انضباطی نیز تعبیر نموده اند و در صورتی که قاضی متخلف به مجازات انتظامی محکوم شود در معرض تعقیب انتظامی قرار خواهد گرفت

بند دوم: تحولات قوانین نظارتی قضایی

در کشور ما تا قبل از صدور فرمان مشروطیت به تناسب هر حکومتی، کنترل و تنبیهاتی که بعضاً نامتناسب و غیرنظام مند بوده بر رفتار و عملکرد قضات وجود داشته است. (سیاییدی، ۱۳۹۶: ۸) قبل از انقلاب مشروطه، قانون مصوبی برای تعیین حدود اختیارات و الزامات محاکم قضایی نبود و تشخیص هیأت حاکمه سرنوشت طرفین دعوا را رقم می‌زد چون عملکرد قضات محدود به قانون نبود. اما «نظارت بر رفتار قضات» از گذشته تا حال همواره مورد توجه حکمرانان بوده است و در گذر زمان مقررات مرتبط با بازرسی قضات متحول شده و متناسب با آن عملکرد حرفه ای قضات و نحوه صدور آراء کیفری تغییر می‌یابد که شرح مختصر آن به قرار زیر است:

^۱ violation

۱- «قانون محاکمه انتظامی قضات» مصوب ۱۳۰۴/۱۱/۱۴ بود که سبب آن «اداره امور قضایی» در معیت محکمه انتظامی تشکیل شد که وظایف مشابه دادرسی انتظامی فعلی را بر عهده داشت

۲- «نظام نامه هیأت نظارت و تفتیش قضایی» مصوب ۱۳۰۸/۴/۱۰ بود که به عنوان اولین مصوبه مربوط به تفتیش نظارت بر مراجع قضایی، با تشکیل «هیأت نظارت» امورات قضایی مربوطه را به وزیر دادگستری محول نمود.

۳- «نظام نامه تفتیش قضایی و اداری» مصوب ۱۳۱۰ بود که به موجب آن دادستان کل کشور در مقام ریاست دادرسی دیوان عالی بر مراجع قضایی و تشکیلات اداری وزارت دادگستری نظارت می کرد و این مصوبه تا سال ۱۳۱۵ به قوت خود باقی ماند.

۴- «قانون اصول تشکیلات عدلیه» مصوب ۱۳۲۹ ه.ق. برای رسیدگی به شکایات از قضات برای اولین بار به عنوان یک مرجع رسمی و اختصاصی به امر نظارت پرداخت و باعث ایجاد «مجلس عالی رسیدگی» جهت بررسی تقصیرات انتظامی رؤسا و اعضای حاکم و صاحب منصبان قضایی شد. البته «قانون اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات عدلیه و استخدام قضات مصوب ۱۳۱۵/۱۰/۶» تغییراتی ایجاد کرد و بازرسی اداری و قضایی را به وزیر دادگستری محول نمود.

۵- «لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات» مصوب ۱۳۳۲/۱۲/۱۴ بود که رسیدگی به گزارش ها و شکایات بازرسی دادگستری ها را بر عهده وزیر دادگستری گذاشت.

۶- «لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بازرسی کل کشور» مصوب ۱۳۵۷/۱۲/۷ بود که بعد از پیروزی انقلاب به تصویب شورای انقلاب رسید و بازرسی مراجع قضایی و اعلام تخلفات انتظامی قضات رابه سازمان بازرسی کل کشور تحویل داد.

۷- «قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور» مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ بود که پس از تصویب آن اعلام موارد تخلف و سوء جریانات مراجع قضایی و بازرسی نارسایی ها از وظایف سازمان مذکور گردید و سعی در رفع ابهامات قوانین قبلی شد که البته تصویب آیین نامه ها و بخش نامه های بعدی جهت اصلاح و ابداع ضوابط مورد نیاز قضایی نسبت به حسن اجرای قوانین در دستگاه قضایی کشور بوده

است.

۸- «قانون نظارت بر رفتار قضات» مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ می باشد که تحولات عظیمی را در حیطه بررسی تخلفات انتظامی قضات کشور ایجاد نمود که موضوع این قانون نظارت بر نحوه عملکرد و رفتار قضات و رسیدگی به تخلفات انتظامی و صلاحیت قضایی آنها می باشد.

بند سوم: بررسی قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰

اجرای صحیح قانون و تضمین معیارهای مطلوب و رفتار قضایی متوجه حکومت‌ها است. (طهماسبی، ۱۳۹۰، ۲۱۰) اگرچه قضاوت در جامعه جایگاه محترمی و مهمی دارد ولی این امر مانع از نظارت بر رفتار قضات^۱ نیست بنابراین مقنن «قانون نظارت بر رفتار قضات» را در ۱۳۹۰/۷/۱۷ تصویب نمود و بعد از آن «آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات» را در ۱۳۹۲/۲/۲۵ تصویب کرد تا که بتواند در صورت تخلف و انحراف قضات از مسیر قانون و شرع با آنها همچون دیگر اعضای جامعه برخورد کند و در صورت نیاز تخلفات آنها نیز مانند هر فرد دیگری باید به مجازات مناسب برسد. فردی که به مقام قضاوت می رسد برای رسیدن به این مقام رفیع از مراحل مختلفی می گذرد که شرح کامل آن در «آیین‌نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضاء و استخدام قضات مصوب ۲۸/۲/۱۳۹۲» آمده است که این افرادی باید حائز شرایط عمومی، اختصاصی، تحصیلی، حرفه ای، اعتقادی، جسمی، روحی، کیفری، اخلاقی و ایمانی باشند که بعد از اثبات و تایید صفات مذکور، می توانند بر مسند قضاوت تکیه دهند.

تجارب سالهای اخیر نشان می دهد که تخلف اشتباهات و جرایم انتظامی و فساد در بخش دستگاه قضایی گسترش بیشتری دارد (آمار دادسرا و دادگاه عالی انتظامی قضات) و رو به فزونی است. (رزمان: ۱۳۹۷، ۷) «قانون نظارت بر رفتار قضات ۱۳۹۰» ضمانت اجرای بی دقتی و سوء استفاده قضات در مقام صدور احکامی است که می تواند اتهام انتسابی را رد یا اثبات کند. در سیستم قضایی کشور مراقبت و کنترل رفتار قضات اهمیتی خاص دارد زیرا آنها مسئولیت اجرای قانون و برقراری عدالت کیفری را دارند و اگر از تعادل خارج شوند، نظم اجتماعی را بر هم خواهند زد و اعتدال حکومت را به

^۱ Supervising judges, behavior

نابسامانی خواهند کشاند و مسبب لطمه اقتصادی و سیاسی خواهند شد. در دادرسی ها اصل بر کاهش هزینه اقتصادی و اشتباهات است. (ملکشاهی، ۱۳۹۵، ۸۷)

اشتباه جزئی از هر نوع قضاوت بشری است. (موسی مقدم: ۵، ۱۳۹۷) علاوه بر دقت در تصمیم معیارهای ضروری و مناسب برای تصدی منصب قضایی بایست در ادامه راه پرپیچ و خم قضاوت، نظارتی مدیریت شده و سازمان یافته بر رفتار قضات حاکم باشد در غیر این صورت حذف شده است. اد نیز به دلیل جاذبه سحرانگیز قدرت و مقام، وسوسه خواهند شد تا شاید حتی یکبار لذت اوج اقتدار و استقلال را بدون حضور هیچ ناظری بر اعمال و رفتار خود تجربه کنند و طعم قدرت مطلق را بچشند. در حالیکه این دیدگاه ناشی از غلبه نفس اماره است چون فی الواقع حتی اگر به ظاهر هم ناظری بر اعمال ما نباشد، خالق هستی که سراسر قدرت و نظارت است و در عالم هستی هیچ نظارتی فراتر از نظارت الهی نیست.

درست است که قاضی پس از سال ها خدمت بازنشسته و تشکیلات قضایی منفک می شود اما جامعه او را تا پایان عمر کماکان قاضی می شناسند. (بیات: ۱۳، ۱۳۹۸) اینکه جامعه را پس از بازنشستگی قاضی، او را به واسطه وجهت اجتماعی و مسند قضاوت می شناسد، بیانگر اهمیت این حرفه است و اگر قاضی دچار انحراف و اشتباه شود به قداست و مقبولیت جایگاه قضاوت لطمه می زند. اگرچه سیستم قضایی کشور بعد از جذب قضات با آموزش های ضمن خدمت و شیوه های کاربردی دیگر سعی در افزایش سطح دانش و مهارت شغلی قضات در محاکم کیفری دارد اما در نظارت بر رفتار حرفه ای و قضایی در حوزه شغل دادرسی با تعیین مجازات ها و تنبیهات انضباطی سعی در پیشگیری از تخلفات قضات دارد. در حال حاضر سازمان بازرسی کل کشور، دادسرا و دادگاه انتظامی قضات و دفتر ارزشیابی قضات به امر نظارت بر رفتار قضات در دستگاه قضایی می پردازند.

در حال حاضر مهمترین مسند قانونی دادسرا و دادگاه عالی انتظامی قضات در انطباق اعمال ارتكابی قضات متخلف، «قانون نظارت بر رفتار قضات» مصوب ۱۳۹۰/۱۷/۱۷ مجلس شورای اسلامی باشد. قانون مذکور در ضمن جمع آوری قوانین پراکنده و به اصلاح و ابهام زدایی از قوانین پیش پرداخت و با هدف ارتقاء استقلال و بیطرفی نظام قضایی کشور ضمن حفظ شأن و منزلت مقام قضایی و یکسان سازی آیین دادرسی پرداخت تا بر مبنای قانون اساسی و اصول دادرسی منصفانه به تخلفات

قضات پردازد. برجسته‌ترین نوآوری‌های «قانون نظارت بر رفتار قضات» مصوب ۱۳۹۰ عبارتند از تنوع پاسخ‌های انتظامی به تنوع تخلفات محتمل قضات، انتظام دهی به تعلیق انتظامی قضات جهت نکریم شأن مقام قضاوت، ممانعت از تعدی به محدوده کاری قضات با رعایت حریم خصوصی قضات، رعایت قواعد تکرار تعدد جرم در زمینه تخلفات قضات، بهره‌مندی قضات منفصل شد. از مقرری بازنشستگی و قضات معلق از حقوق و مزایا جهت احترام به جایگاه رفیع قضاوت، زمینه سازی جهت ارتقاء قابلیت های شغلی قضات در مناصب عالی قضایی، رفع مصونیت قضایی از جرایم غیر عمدی و پیش‌بینی ضمانت اجراها در تطبیق با تخلف هست.

بند چهارم: دادرسی انتظامی

طبق ماده ۳۳ «لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۳۳۳» دادرسی انتظامی در نزد دادگاه عالی انتظامی قضات تشکیل شد و این ماده قانونی به موجب ماده ۵۶ «قانون نظارت بر رفتار قضات» مصوب ۱۳۹۰ نسخ صریح گردید. دادرسی انتظامی نهاد نظارتی قوه قضائیه بر رفتار و عملکرد قضات است که به تخلفات قضات دادگستری رسیدگی می کند. ریاست دادرسی با دادستان است که به تعداد کافی دادیار و معاون دارد. طبق ماده ۱۱ «قانون نظارت بر رفتار قضات»، صلاحیت دادرسی انتظامی در رسیدگی به جرایم زیر است: ۱- بازرسی و کشف تخلفات انتظامی قضات و تعقیب انتظامی آنها در هر مقام و رتبه ۲- نظارت مستمر بر عملکرد قضات، ارزشیابی آنها و تحقیق در اعمال و رفتار منافی حیثیت و شأن قضایی با رعایت حریم خصوصی آنها ۳- پیشنهاد تعلیق قاضی از خدمت قضایی به دادگاه عالی ۴- پیشنهاد تشویق قاضی دارای خدمات علمی یا عملی برجسته به رئیس قوه قضائیه ۵- پیشنهاد جابجایی قضات به رئیس قوه قضائیه در اجرای اصل ۱۶۴ قانون اساسی ۶- بازرسی و تهیه گزارش در عملکرد قضات حسب درخواست رئیس قوه قضائیه ۷- سایر وظایف به موجب قوانین خاص.» دادرسی انتظامی در معیت دادگاه عالی مطابق «قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰» انجام وظیفه می نماید. دفتر نظارت و ارزشیابی رفتار و عملکرد قضات واقع در دادگستری استان در واقع نماینده دادرسی انتظامی در هر استان است که با دریافت گزارش های مردم و تخلفات قضات، به بررسی پرونده ها می پردازد و اگر تخلف قاضی محرز شود طبق قانون پرونده را به رئیس دادگستری استان ارجاع می دهد تا برای دادرسی انتظامی قضات واقع در تهران ارسال شود. حفاظت اطلاعات دادگستری استان مرجع دیگری برای دریافت

شکایات مردم است که در صورت نیاز طبق قانون شکایات را محرمانه بررسی می کند و البته با احترام به شأن قاضی، نتیجه را به دادرای انتظامی قضات می فرستد تا بررسی شود. برای شکایت از تخلفات قضات می توان حضوری به دادرای انتظامی قضات در تهران رفت و اگر شکایت مسموع باشد، دادرای به دفتر نظارت یا حفاظت اطلاعات نیابت قضایی می دهد تا تکمیل تحقیقات صورت گیرد و نتایج به دادرای انتظامی ارسال شود و اگر دادستان انتظامی تخلفات را تشخیص دهد می تواند با دستور تعلیق موقت قاضی متخلف، پرونده را به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال کند.

بند پنجم: دادگاه عالی انتظامی

طبق ماده ۲ «لایحه قانونی راجع به اصلاح بعضی مواد لوایح قانونی مربوط به اصول تشکیلات دادگستری مصوب ۱۳۳۹» دادگاه عالی انتظامی از یک نفر رئیس و دو نفر عضو اصلی و یک عضو علی البدل تشکیل می گردید و خدمت در آن الزامی بود و اختیار قضات در قبول یا رد این پیشنهاد سلب شده بود که البته به واسطه «قانون نظارت بر رفتار قضات» مصوب ۱۳۹۰ فسخ شد. دادگاه عالی انتظامی قضات و دادگاه عالی تجدیدنظر قضات در تهران مستقر است و تعداد شعب آن به تشخیص رئیس قوه قضائیه خواهد بود. رئیس شعبه اول دادگاه عالی بر شعب دادگاه عالی تجدیدنظر قضات نظارت اداری دارد. طبق ماده ۶ «قانون نظارت بر رفتار قضات»، دادگاه عالی صلاحیت رسیدگی به تخلفات زیر را دارد:

«۱- رسیدگی به تخلفات انتظامی قضات ۲- رسیدگی به پیشنهاد دادستان در تعلیق قاضی از خدمت قضایی ۳- ترفیع پایه قضایی ۴- حل اختلاف دادستان انتظامی و دادیار انتظامی موضوع ماده ۲۸ ۵- رسیدگی به اعتراض قرار تعلیق تعقیب انتظامی ۶- اظهارنظر در اشتباه و یا تقصیر قاضی اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۳۰ این قانون ۷- سایر امور به موجب قانون خاص».

دادگاه عالی تجدیدنظر محدود به تجدیدنظرخواهی از احکام غیرقطعی دادگاه عالی انتظامی و اعاده دادرسی از احکام دادگاه عالی انتظامی می شود.

بند ششم: دادگاه رسیدگی به صلاحیت قضات

طبق ماده ۴۴ قانون نظارت بر رفتار قضات: «رسیدگی به صلاحیت قضاتی که صلاحیت آنان طبق

موازن شرعی و قانونی از ناحیه مقامات مصرح در این قانون مورد تردید قرار گیرد، با «دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات» است. صلاحیت قاضی می تواند توسط یکی از مقامات ذیل مورد تردید قرار گیرد: ۱- رئیس قوه قضائیه ۲- رئیس دیوان عالی کشور ۳- دادستان کل کشور ۴- رؤسای شعب دادگاه عالی و تجدیدنظر آن ۵- دادستان انتظامی قضات ۶- رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح نسبت به قضات آن سازمان. «مقام تردید کننده در صلاحیت قاضی، مستندات خود را به کمیسیون رسیدگی به صلاحیت قضات اعلام می کند و موضوع در اسرع وقت بررسی می شود و بعد استماع اظهارات و دفاعیات قاضی اگر نظر بر عدم صلاحیت او باشد حداکثر ظرف ۱۰ روز نتیجه به دادگاه گزارش می شود. دادگاه عالی صلاحیت بعد بررسی گزارش کمیسیون و دفاعیات قاضی در صورت احراز عدم صلاحیت قاضی، او را مجازات می کند. عدم حضور قاضی یا عدم ارائه دفاعیه در دادگاه در جریان رسیدگی خللی ایجاد نمی کند. رأی دادگاه عالی صلاحیت ظرف یکماه بعد ابلاغ قابل تجدیدنظر در دادگاه عالی تجدیدنظر صلاحیت است. تصمیمات دادگاه به طور محرمانه به قاضی ابلاغ می شود. اگر کمیسیون رسیدگی به صلاحیت قضات، نظر به صلاحیت قاضی دهد، پرونده مختومه می شود.

بخش دوم: نحوه شکایت از تخلفات قضات

اشتباهات قضایی از اهمیت خاصی در قلمرو حقوق جزا برخوردار است. (احمدی و چراغانی، ۱۳۹۶: ۹) هرگاه در اثر رأی نادرستی که به دلیل بی دقتی، اشتباه یا قصور قاضی مربوطه صادر شده است حقی از کسی ضایع گردد، جهت احقاق حق زیان دیده تدابیری اندیشیده شده است. اصل ۱۷۱ «قانون اساسی» بر جبران ضرر و زیان مادی یا معنوی ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی تأکید کرده است و در صورت قصور قاضی او را مسئول می داند ولی در صورت اشتباه قاضی دولت را ملزم به جبران خسارت می داند. به موجب ماده ۳۰ «قانون نظارت بر رفتار قضات»، هرگاه کسی مدعی ضرر و زیان ناشی از اشتباه یا تقصیر یک قاضی باشد باید ابتدا دادخواستی برای اثبات اشتباه یا تقصیر قاضی مربوطه به دادگاه عالی انتظامی قضات ارائه دهد و اگر این دادگاه حکم به اشتباه یا تقصیر قاضی بدهد، مجدداً فرد شاکی دادخواستی به دادگاه عمومی حقوقی تهران ارائه می کند تا بر مبنای آن میزان خسارت مشخص شود و حکم به جبران خسارت داده شود و با توجه به اشتباه یا تقصیر قاضی مسئولیت جبران خسارت با دولت یا خود قاضی خواهد بود. اگر شاکی به دادرسی انتظامی قضات مراجعه کند، بعد از

ثبت شکایت، پرونده به یکی از دادیاران دادرسی انتظامی قضات ارجاع می شود و دادیار مرجوع الیه خطاب به مسئول مافوق قاضی مشتکی عنه تقاضای تهیّه گزارش می کند و دادیار بعد وصول گزارش و بررسی های لازم اگر تخلف را متحمل بداند پس گزارش تخلف تهیّه نموده و قاضی مشتکی عنه را برای دفاع از خود دعوت می کند و اگر دفاعش از نظر دادیار موجه نباشد سپس قرار مجرمیت صادر می کند و پرونده را جهت ملاحظه دادستان انتظامی قضات ارسال می کند تا در صورت پذیرش به صدور کیفرخواست انتظامی اقدام کند سپس کیفرخواست به دادگاه انتظامی ارسال می گردد تا بعد از ملاحظات و رسیدگی های لازم، حکم محکومیت قاضی صادر شود.

برای طرح شکایت از قضات متخلف به چند طریق می توان اقدام کرد:

۱- مراجعه حضوری و مستقیم به دادرسی انتظامی قضات در تهران

۲- مراجعه به دفتر نظارت و ارزشیابی رفتار و عملکرد قضات در دادگستری استان ها

۳- مراجعه به بخش حفاظت اطلاعات دادگستری استان ها

۴- مراجعه به سایت قضایی dadsetani.ir/?page=report-eteraz

طبق گزارش سایت خبری تابناک (۱۳۹۶) مبنی بر اعلام دادستان کل کشور به راه اندازی درگاهی در سایت دادستانی کل کشور جهت دریافت شکایات و اعتراضات مردم از قضات و دادستان ها خبر داد تا از این طریق به شیوه ای جدیدتر در نظارت بر رفتار قضات دست یابیم که البته هم امکان سریع تر و آسانتری برای طرح شکایت عموم مردم می باشد و از طرفی از تراکم حضور مراجعه کنندگان در مراجع قضایی مربوطه برای تحویل شکایات مذکور کاسته می شود و هم اطلاعات جامع تری به بازرسان قوه قضائیه می دهد. رئیس قوه قضائیه از نظارتهای پنهان و کاهش تخلفات به واسطه این سیستم های نظارتی خبر داد و مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه از تعلیق ۷۸ قاضی متخلف خبر داد که نشان از پیگیری های این مرکز در برخورد با قضات متخلف است. در حقوق فرانسه موارد شکایت از قاضی به این قرار است: اولاً - اگر شاکی مدعی شود که در جریان رسیدگی یا حین صدور رأی حيله، تقلب یا ارتشاء یا اشتباه فهمی رخ داده است. ثانیاً - به جواز صریح قانون باشد. ثالثاً - قانون قضات را با تهدید به پرداخت غرامت مسئول اعلام نماید. رابعاً - استنکاف از احقاق حق. (انتقامی، ۱۳۳۲: ۵۳)

بخش سوم: مصادیقی از تخلفات قضات و آراء مربوطه در دادگاه ها

طبق ماده ۱۳ «قانون نظارت بر رفتار قضات» مصوب ۱۳۹۰ مجازاتهای انتظامی^۱ قضات سیزده درجه به شرح زیر است: «۱- توبیخ کتبی بدون درج در سابقه خدمتی ۲- توبیخ کتبی با درج در سابقه خدمتی ۳- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک ماه تا شش ماه ۴- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یکسال ۵- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یکسال تا دوسال ۶- تنزل یک پایه قضایی و در مورد قضات نظامی تنزل یک درجه نظامی یا رتبه کارمندی ۷- تنزل دو پایه قضایی و در مورد قضات نظامی تنزل دو درجه نظامی یا دو رتبه کارمندی ۸- انفصال موقت از یک ماه تا شش ماه ۹- انفصال موقت از شش ماه تا یکسال ۱۰- خاتمه خدمت از طریق بازنشستگی با داشتن حداقل بیست و پنج سال سابقه و بازخرید خدمت در صورت داشتن کمتر از بیست و پنج سال سابقه ۱۱- تبدیل به وضعیت اداری و در مورد قضات نظامی لغو ابلاغ قضایی و اعاده به یگان خدمتی ۱۲- انفصال دائم از خدمت قضایی ۱۳- انفصال دائم از خدمات دولتی.»

در ماده مذکور مجازات انتظامی قضات متخلف از توبیخ کتبی تا انفصال دائم به ترتیب بیان شده است که متناسب با اعمال ارتكابی قضات اعمال می گردد. احصاء و دسته بندی تخلفات پیش بینی شده در «قانون نظارت بر رفتار قضات» مصوب ۱۳۹۰ مستلزم بررسی شرایط ارتكاب و حصر مصادیق آن در نصوص قانون است. قانونگذار مجازات های انتظامی را در قالب درجه بندی ۱۳ گانه محدود نموده است، اما مصادیق قضایی آنرا مواد قانونی بعدی بیان می کند.

طبق ماده ۱۴ «قانون نظارت بر رفتار قضات» مصوب ۱۳۹۰: مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتكاب، به یکی از مجازات های انتظامی درجه یک تا چهار محکوم می شوند:

۱- درج نکردن مشخصات خود یا امضاء نکردن زیر صورتجلسات، اوراق تحقیق و تصمیمات یا ناخوانا نوشتن یا به کار بردن کلمه یا عبارت سبک یا ناپسند

رأی دادگاه

^۱disciplinary punishments

پیرو دادنامه شماره ۴۴۶ مورخ ۱۳۸۳/۹/۲۸: اقدام رئیس دادگاه بدوی که در قبال اعطای نیابت قضایی از سوی دادگاه تجدیدنظر متقاضیان این جوامع را مورد خطاب قرار داده و چنین اظهار داشته است «آقایان تصمیم گیرنده را تذکر برادرانه می دهم که به خاطر خوش آیند دیگران و به تعبیر دیگر برای دنیای دیگری آخرت خود را به خطر نیاندازد» با عنایت به گزارش مبنای کیفرخواست عملی موهن و خارج از نزاکت اداری بوده و تخلف است و دفاع مشارالیه دایر بر این که (قصد اهانت و بی ادبی را نداشته و صرفاً در راستای امر به معروف و نهی از منکر متذکر گردیده) موجه و رافع مسئولیت تشخیص داده نشد و لذا با احراز تخلف انتسابی آقای.... رئیس شعبه... دادگاه عمومی شهر ری مشارالیه را از این بابت به استناد ماده ۱۳ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به توییح کتبی با درج در ورقه خدمت محکوم می نماید. رأی قطعی است. (معاونت آموزشی دادگستری استان تهران، ۱۳۸۴: ۲۳)

۲- عدم اعلام ختم دادرسی در دادگاه و ختم تحقیقات در دادسرا یا تأخیر غیرموجه کمتر از یک ماه در صدور رأی و اجرای آن

رأی دادگاه

پیرو نامه شماره ۵۰۴ مورخ ۱۳۸۳/۹/۹: تخلفات آقای..... رئیس شعبه.... دادگاه عمومی دزفول در پرونده های کلاسه... و... عبارتند از این که بدون اعلام ختم رسیدگی مبادرت به صدور رأینموده و هم چنین در مورد متهم به ایراد ضرب و جرح عمدی با این که متهم فاقد قرار تأمین بوده بدون اخذ تأمین و استماع آخرین دفاع مبادرت به صدور حکم محکومیت نموده است مدافعات قاضی مشتکی عنه مؤثر در مقام تشخیص نگردید. علی هذا به استناد صدر ماده ۲۰ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات مشارالیه به توییح کتبی با درج در پرونده خدمتی محکوم می گردد. رأی صادره قطعی است. (زندی، ۱۳۹۴: ۵۶)

۳- عدم حضور عضو دادگاه در جلسه رسیدگی بدون عذر موجه یا شرکت نکردن وی در مشاوره و صدور رأی و امضاء کردن آن یا عدم تشکیل جلسه رسیدگی در روز مقرر بدون عذر موجه

رأی دادگاه

پیرو دادنامه شماره ۲۶۹ و ۲۶۸ مورخ ۱۳۸۵/۶/۲۶: تخلف دادرس وقت دادگاه از حیث تفهیم اتهام به مشککی عنه و اخذ تأمین از او بدون وجود دلیلی علیه وی و تخلف رئیس دادگاه از جهت دستور احضار و جلب مشککی عنه بدون وجود دلیل بر توجه اتهام به او هم چنین عدم تشکیل جلسه دادگاه در وقت های مقرر با وجود ابلاغ وقت به طرفین و تشکیل جلسه دادگاه در وقت فوق العاده بدون حضور طرفین و صدور رأی در این جلسه بدون پانویس و ابلاغ آن به طرفین به ترتیب منعکس در گزارش مبنای کیفرخواست های انتظامی ثابت است و دفاع آنان نسبت به موارد فوق مؤثر تشخیص داده نشد. بنا به استناد صدر ماده ۲۰ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات آقای.... دادرس وقت دادگاه عمومی بخش... را به کسر عشر حقوق ماهیانه به مدت دو ماه و آقای.... رئیس وقت شعبه..... دادگاه عمومی بخش... را به کسر خمس ماهیانه به مدت چهارماه محکوم می نماید. (معاونت آموزشی دادگستری استان تهران، ۱۳۸۵:۱۶)

۴- عدم نظارت منتهی به بی نظمی متصدیان امور شعب مراجع قضایی بر عملکرد اداری شعب

رأی دادگاه

به موجب رأی شماره ۳۱۶ مورخ ۱۳۴۴/۸/۲۳: نظر به این که طبق گزارش دادگستری اثر عدم اعمال نظارت قانونی آقای رئیس دادگاه بخش نسبت به امور دفتر دادگاه ۴۸ فقره پرونده خلافی مشمول مرور زمان شده و در تاریخ ارجاع مشمول مرور زمان بوده و معهذا هیچ گونه گزارش جهت تعقیب موضوع نفرستاده... لذا عدم نظارت در امور دفتر و مسامحه و اهمال آقای رئیس دادگاه بخش محرز و مسلم بوده بر طبق ماده ۲ و ۱۴ آیین نامه تشخیص تقصیرات قضات به کسر عشر حقوق در یک ماه محکوم می شود. (زندی، ۱۳۹۴:۱۸)

۵- عدم اعمال نظارت مراجع عالی قضایی نسبت به مراجع تالی و دادستان نسبت به دادیار و بازپرس از حیث دادن تعلیمات و تذکرات لازم و اعلام تخلفات مطابق قوانین مربوط

رأی دادگاه

تخلف انتظامی آقای.... رئیس شعبه دادگاه عمومی تهران در پرونده کلاسه ۶۵/۱۴۰۱/۷۷ آ ق شعبه مبنی بر اتخاذ اقدامات غیرقانونی رفع نقص به شرحی که در گزارش مورخ ۸۰/۱۱/۱۹ آقای دادیار

دادسرای انتظامی قضات منعکس شده محرز است... برابر تبصره ۲ ماده ۳۳۹ «قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه های عمومی و انقلاب» در صورتی که از دادخواست تجدیدنظر در مهلت قانونی رفع نقض نگردد به موجب قرار دادگاه بدوی نسبت به مورد مبادرت به صدور قرار می شود و نه از طرف مدیر دفتر دادگاه و از آنجا که با صدور قرار رد دادخواست مورخ ۷۹/۴/۱۳ توسط آقای مدیر دفتر شعبه... دادگاه عمومی تهران و تأیید آن به وسیله شعبه مذکور در واقع شکات از حقوق و امتیازات یک مرحله تجدیدنظرخواهی محروم شده اند و مدافعات آقای مشتکی عنه موجه نبوده... لذا به استناد ماده ۲۰ نظام نامه تشخیص انواع تقصیرات قضات به کسر عشر حقوق به مدت سه ماه محکوم می گردد. (زندی، ۵:۱۳۹۴)

۶- بی نظمی در ورود به محل کار و خروج از آن یا عدم حضور در نوبت کشیک، جلسات هیأتها و کمیسیون هایی که قاضی موظف به شرکت در آنهاست، بدون عذر موجه و بیش از سه مورد در ماه یا سه نوبت متوالی

۷- غیبت غیر موجه و حداکثر به مدت یک تا پنج روز متوالی یا متناوب در یک دوره ۳ ماهه

رأی دادگاه

پیرو دادنامه شماره ۸ مورخ ۱۳۶۸/۳/۶ صادره از دادگاه عالی انتظامی قضات: دادیار دادسرای انقلاب اسلامی در عدم حضور در سر خدمت محوله و غیبت از انجام وظیفه به عذر و بهانه قبول شدن در کنکور کارشناسی ارشد مرتکب تخلف از ما قانون اصول تشکیلات دادگستری مصوب ۱۳۳۵ مرتکب تخلف شده است. (کریم زاده، بی تا: ۲۶۲)

۸- اهمال در انجام وظایف محوله

رأی دادگاه

به موجب رأی شماره ۹۱۵۱ مورخ ۱۳۳۸/۱۱/۲: از قاضی مشتکی عنه دفاعی نرسیده و به موجب گزارش مبنای کیفرخواست خودداری مشارالیه از انجام دادن درخواست دادرسی انتظامی و کلا و ندادن جواب نامه های دادسرای انتظامی قضات ثابت است و چون علاوه بر این که طبق ماده ۷۲ آیین

نامه لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴/۹/۴ مکلف بوده تحقیقاتی را که کانون مزبور تقاضا می نماید، انجام داده و بفرستد، رعایت ترتیب و نظامات اداری و احتراز از اهمال و سهل انگاری در این خصوص از جمله اصول اولیه بوده و بیشتر معایب ناشی از بی علاقه‌گی و لاقیدی در رعایت آنهاست، لذا تخلف مشارالیه محرز و عملش با ماده ۱۴ آیین نامه تشخیص تقصیرات انتظامی قضات منطبق بوده و به مجازات درجه ۳ محکوم می شود. (حیدرزاده، ۱۳۷۳: ۱۸۶)

۹- اعلام نظر ماهوی قاضی پیش از صدور رأی

طبق ماده ۱۵ «قانون نظارت بر رفتار قضات» مصوب ۱۳۹۰: مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب به یکی از مجازات های انتظامی درجه ۴ تا ۷ محکوم خواهند شد.

۱- صدور رأی غیرمستند یا غیرمستدل

رأی دادگاه

به موجب رأی شماره ۲۸۰-۲۷۹ مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۱۴: چون مستند رأی دادگاه حقوقی اتکای دادگاه به توافق نامه ای بوده که خواهان ها ارائه داده اند ولی فاقد امضای خوانده می باشد و دلایل و مدارک دیگر نیز علی الظاهر خلاف نظری بوده که دادگاه با استظهار به شهادت شهود که اصولاً جزء مستندات دعوا هم نبوده رسیدگی کرده و اشاره به ماده (۱۰) قانون مدنی هم با عنایت به عدم امضای مدرک مزبور به وسیله خوانده، قابل اتکاء نبوده و چون طبق «قانون اساسی» و مقررات دیگر، احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند باشد و حکم صادره فاقد چنین وصفی است لذا رئیس دادگاه به علت تخلف از مقررات مسئول است. (کریم زاده، بی تا: ۷۵)

۲- غیبت غیرموجه از ۶ تا ۳۰ روز در یک دوره سه ماهه یا خودداری غیرموجه از عزیمت به محل خدمت تا ترک خدمت به مدت کمتر از ۳۰ روز

رأی دادگاه

به موجب رأی شماره ۵۹۴۹-۱۳۳۳/۳/۲۰: داشتن مرض به طور مطلق مادام که سلب اختیار از مریض نشده باشد و دلیل قابل اعتمادی بر وجود آن به این درجه نبوده و با تصدیق پزشک قانونی در لزوم

فوریت عمل جراحی و فراهم نبودن وسائل آن در حل مأموریت در دست نباشد، مجرد دست آویز قرار دادن ناخوشی برای ترک محل مأموریت مفید نبوده و به جهات مذکور نمی توان آن را موجب معذوریت قرار داد. (حیدرزاده، ۱۳۷۳: ۲۵۸)

۳- دستور تعیین وقت دادرسی خارج از ترتیب دفتر اوقات بدون علت موجه

۴- تأخیر یا تجدید وقت دادرسی بدون وجود جهت قانونی و بدون ذکر آن

رأی دادگاه

صدور رأی شماره ۲۵۸ مورخ ۱۳۸۳/۲/۱۶: بدون تعیین وقت رسیدگی و دعوت از طرفین دعوی به ترتیب منعکس در گزارشات مبنای کیفرخواست... که در قبال آن دفاعی به عمل نیامده است، تخلف است بنا به مراتب آقای... رئیس وقت دادگاه عمومی.... به استناد صدر ماده ۲۰ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر عشر حقوق ماهیانه در سه ماه محکوم می شود. رأی صادره قطعی است. (معاونت آموزش دادگستری استان تهران، ۱۳۸۹)

۵- رعایت نکردن مقررات مربوط به صلاحیت رسیدگی اعم از ذاتی یا محلی

رأی دادگاه

پیرو رأی شماره ۶۵ مورخ ۱۳۷۵/۷: رئیس دادگاه مدنی خاص در ورود به موضوع خارج از صلاحیت محلی و نسبی و در تجدید جلسات بدون ذکر علت عدم امضاء ذیل صورتجلسات و در قید قطعیت دادنامه با وجود قابلیت تجدیدنظر در تقسیت مهریه با عدم رضایت زوجه و خارج از شرط عقدنامه، مرتکب تخلفات عدیده شده است. (کریم زاده، بی تا: ۱۷۳)

۶- رفتار خارج از نزاکت حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن

رأی دادگاه

به موجب رأی شماره ۴۵ مورخ ۱۳۶۳/۶/۲۸: قاضی که خواننده دعوی در پرونده حقوقی بوده و در لایحه دفاعیه که به دادگاه تقدیم داشته نسبت «پرونده سازی» به قاضی محکمه داده و نیز خطاب به

دادرس دادگاه نوشته «خواهان را تحریک کرده ای با قید این که من او را محکوم می کنم تا تقدیم دادخواست نماید» و نیز قید این جمله «هر چه بگنجد نمکش می زنند وای به روزی که بگنجد نمک» و «وای از آن روزی که قاضی مدعی باشد» بر خلاف نزاکت اداری و موهن رفتار کرده و عملش منطبق با ماده ۱۳ نظام نامه می باشد که به توییح کتبی با درج در سند خدمتی محکوم می گردد. (حیدرزاده، ۱۳۷۳:۱۶۶)

۷- تأخیر غیرموجه بیش از یکماه در صدور رأی و اجرای آن

۸- عدم رعایت مقررات مربوط به تشکیل جلسه دادرسی و ابلاغ وقت رسیدگی

رأی دادگاه

پیرو رأی شماره ۶۶ مورخ ۱۳۶۵/۴/۵ در خصوص اطاله دادرسی: گرچه قاضی مشکی عنه اظهار داشته که تعیین وقت برای مطالعه پرونده مفصل لازم بوده ولی با توجه به این که دوبار برای خواندگان پرونده و اتخاذ تصمیم دستور تعیین وقت داده که در نتیجه ۵ ماه جریان پرونده معوق مانده، اقدام رئیس دادگاه به نحو فوق تخلف است. (باری، ۱۳۹۶:۷۷۳)

۹- خودداری از اعلام تخلفات کارکنان اداری، ضابطان، وکلاء دادگستری، کارشناسان رسمی دادگستری، مشاوران حقوقی قوه قضائیه و مترجمان رسمی به مراجع مربوط در الزام قانون.

رأی دادگاه

پیرو دادنامه شماره ۴۴ مورخه ۱۳۸۸/۲/۳۰: آقای «ح-ب» رئیس سابق شعبه سوم دادگاه عمومی بخش ملارد بدون اعلام ختم رسیدگی انشاء رأی نموده و در دست نویس رأی در موارد متعدد آن را مخدوش و دست خوش قلم خوردگی ساخته... ضمن آنکه حق نظارت بر دفتر شعبه را اجرا ننموده به نحوی که دفتر در ابلاغ دادنامه به محکوم علیه دچار بی نظمی گردیده و حق تجدیدنظرخواهی محکوم علیه ساقط شده است. به استناد صدور ماده ۲۰ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر عشر حقوق ماهیانه به مدت سه ماه محکوم می گردد. (معاونت آموزش دادگستری استان تهران، ۱۳۸۸)

طبق ماده ۱۶ «قانون نظارت بر رفتار قضات» مصوب ۱۳۹۰: مرتکبان هر یک از تخلفات زیر با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازات های انتظامی درجه شش تا ده محکوم می شوند

- ۱- سوء استفاده از اموال دولتی، عمومی و توقیفی
- ۲- خودداری از اعتبار دادن به مفاد اسناد ثبتی بدون جهت قانونی
- ۳- خودداری از پذیرش مستندات و لوایح طرفین و وکلاء آنها جهت ثبت و ضبط فوری پرونده
- ۴- خودداری غیرموجه از عزیمت به محل خدمت در موعد مقرر یا ترک خدمت بیش از ۳۰ روز
- ۵- استنکاف از رسیدگی و امتناع از انجام وظایف قانونی

رأی دادگاه

به موجب رأی شماره ۸۹ مورخ ۱۳۷۲/۶/۳: نظر به اینکه قاضی مشتکی عنه پرونده را مدت های طولانی و به دفعات بدون دستور قضایی معوق گذاشته، مرتکب تخلف شده است. (کریم زاده، ۳۶:۱۳۸۲)

طبق ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰: مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازات های انتظامی درجه ۸ تا ۱۳ محکوم می شوند:

- ۱- گزارش خلاف واقع و مغرضانه قضات نسبت به یکدیگر
- ۲- اشتغال همزمان به مشاغل مذکور در اصل ۱۴۱ قانون اساسی یا کارشناسی رسمی دادگستری، مترجمی رسمی، تصدی دفتر ازدواج، طلاق و اسناد رسمی و اشتغال به فعالیت های تجاری

رأی دادگاه

پیرو دادنامه شماره ۱۱۹ مورخ ۱۳۷۰/۵/۱۲: دادیار دادرای انقلاب اسلامی که با وجود اشتغال رسمی در دادرای انقلاب، اشتغال موظف در پست مسئول سیاسی عقیدتی، شهربانی و هیئت واگذاری زمین در اوقات اداری رسمی پذیرفته است که بر خلاف اصل ۱۴۱ قانون اساسی می باشد به عنوان بی توجهی به حیثیت و شئون قضایی، مرتکب تخلف شده است. (کریم زاده، بی تا: ۳۲۷)

۱- خارج کردن مستندات و لوايح طرفین از پرونده

۲- خروج از بیطرفی در انجام وظایف قضایی

رأی دادگاه

به موجب دادنامه شماره ۳۲ مورخ ۱۳۷۳/۳/۲۸: صرف تمسک به اعمال فشار علیه متهمان برای اجبار آنان به بخشیدن ویدئوی خود و کتمان رأی برائت و حکم تعلیق متهمان و دستور ثبت غیر واقعی پرونده و معدوم نمودن اوراق دفتر ثبت کیفری و تصرف غیرقانونی در سپرده ها و گزارش خلاف واقع و عدم نظارت در امور دادرای علاوه از جنبه کیفری متضمن مسئولیت انتظامی و از مصادیق خروج از بیطرفی در امر رسیدگی و بر خلاف شئون قضایی است. (کریم زاده، بی تا: ۳۲۶)

۳- پذیرفتن هر گونه هدیه یا خدمت یا امتیاز غیر متعارف به اعتبار جایگاه قضایی

۴- رفتار خلاف شأن قضایی

رأی دادگاه

پیرو رأی شماره ۴۰۰ مورخ ۱۳۴۴/۱۰/۲۰: اعتیاد آقای (م. الف) به مواد افیونی و چون اقدام به این قبیل اعمال آن هم به نحو اعتیاد دور از شأن قاضی و مخالف حیثیت و شرایط قضایی است، مورد منطبق با ماده ۲۴۰ آئین نامه تشخیص تقصیرات قضات است. (حیدرزاده، ۱۳۷۳: ۲۳۴)

نتیجه گیری

عدالت گستری در جامعه حقوقی حق محور حق جو مستلزم بهبود در شرایط شغلی قضات در دستگاه قضاء می باشد و سیستم نظارت حاکم بر تخلفات قضات در انطباق با « قانون نظارت بر رفتار قضات

۱۳۹۰» با هدف ارتقاء اقتدار و سلامت دستگاه قضاء با رعایت شأن و جایگاه قضات به نظارت و بررسی تخلفات حرفه ای قضات می پردازد. علیرغم تصویب قوانین کاربردی در پاسخ به دگرگونی جرایم کیفری، مستند قضاوت به عنوان نماینده دستگاه قضاء باید تحت نظارت مستمر و اصولی باشد. « قانون نظارت بر رفتار قضات ۱۳۹۶» نوآوری های فراوانی در تعیین تخلفات عملکرد حرفه ای قضات داشته است اما در مبحث تردید در صلاحیت قضات تنها تشریفات رسیدگی شفاف سازی شد و ویژگی های لازم در صلاحیت قضات به طور مشخص و جزئی بیان نشد که این امر می تواند گریزی باشد برای ضربه زدن و استقلال قضات زیرا یک قاضی همیشه به دلیل هراس از تردید مقامات قانونی دیگر در صلاحیت خود می تواند مقتدرانه عمل نماید و عدم احصاء موضوعات مورد ارزیابی به قید قانونی به امنیت شغلی و استقلال حرفه ای قضات آسیب می زند. بنابراین پژوهش در زمینه عوامل موثر بر رای قضات در تعیین ضوابط علمی و حرفه ای انتصاب قضات و نظارت بر عملکرد شغلی آنها موثر است. علیرغم نوآوری های «قانون نظارت بر رفتار قضات ۱۳۹۰» ضمن گردآوری قوانین پراکنده پیشین داشته است، اما با تصویب «قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲» با فاصله زمانی کمتر از دو سال تقریباً حدود ۱۷ عنوان تخلف انتظامی جدید به تخلفات قبلی افزوده شد. بنابراین برای رفع نقایص مطروحه در «قانون نظارت بر رفتار قضات ۱۳۹۰» می بایست عناوین جدید تخلفات انتظامی قضات در تطابق با مباحث نوین حقوقی پس از بررسی مجلد و کارشناسانه زمینه ساز اصلاح قانون مذکور گردد. با تصویب «آیین نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۹۲/۲/۲۵» اگر چه توضیحات بیشتری در باب شکایات انتظامی از تخلفات قضات داده شد و ضوابط تعلیق قاضی با احراز شرایط متفاوت بررسی گشت اما در مبحث تردید در صلاحیت قضات، تنها تشریفات رسیدگی به این نقیصه شفاف سازی شد و متأسفانه باز هم ویژگی های لازم در صلاحیت قضات به طور مشخص و جزئی بیان نشده است که این امر می تواند گریزی باشد برای ضربه زدن بر استقلال قضات زیرا یک قاضی همیشه به دلیل هراس از تردید مقامات اداری، قضایی یا قانونی دیگر در صلاحیت خود که هنوز به قید قانون احصاء نشده است، نمی تواند به شایستگی به امر خطیر قضاوت بپردازد. چون این ترس در وجود قاضی و عملکردش اثری مخرب خواهد داشت و حتی ممکن است منجر به ترک کردن شغل قضاء گردد و در نهایت هرج و مرج و بی نظمی در جامعه حاکم خواهد شد. در نتیجه تعیین جزئی و دقیق موارد صلاحیت قضات و نیز تبیین صریح موارد تردید در صلاحیت قضات بسیار مورد توجه است.

طبق «آیین نامه نحوه بازرسی و نظارت و ارزشیابی رفتار و عملکرد قضات مصوب ۹۲/۳/۸» در فصل نظارت و ارزشیابی طبق ماده ۲۴ پس از عبارت «از قبیل» موضوعات مورد نظارت و ارزشیابی را در ۱۳ مورد ذکر نموده است یعنی موارد مذکور تنها نمونه اند که می توانند مصادیق دیگری هم داشته باشند که هنوز بیان نشده و در پرده ابهام قرار دارند. بنابراین عدم احصاء موضوعات مورد نظارت و ارزشیابی به قید قانون علیرغم فراهم نمودن اختیارات وسیع سیستم بازرسی شغلی و استقلال حرفه ای قضات آسیب می زند. بنابراین ذکرشغلی و استقلال حرفه ای قضات آسیب می زند. بنابراین ذکر صریح ویژگی های رفتاری و حرفه ای قضات که می بایست مورد بازرسی و نظارت قرار گیرند در تحقق اصل قانونی بودن جرم و جزا ضرورتی انکارناپذیر است.

ارتقاء قانون گذاری و سیاست گذاری کیفری مقدور نخواهد بود مگر با بررسی موشکافانه و تخصصی انتقادات و پیشنهادات قضات محاکم کیفریه عنوان مجریان قانون، اندیشمندان حقوقی و حقوق دانان برجسته کشور که در نگارش کتب حقوقی و دانشگاهی ضمن بیان مباحث حقوق کیفری به ذکر نقایص و ابهامات قوانین کیفری مؤثر در صدور آراء کیفری می پردازند و با ارائه راهکارهای کاربردی و پیشنهادی جهت رفع نقایص مطروحه گام بر می دارند. اگر دستگاه قضاء با طراحی سامانه های رسمی و عمومی به دریافت انتقادات و پیشنهادات اصولی مرتبط با عملکرد حرفه ای قضات و نقاط ضعف قوانین کیفری پردازد و پس از تحلیل تخصصی نظرات ارائه شده و تأیید کارشناسی مباحث مطروحه می تواند نتایج علمی را در اصلاح قوانین اتخاذ نماید.

اگر چه سیاست کیفری با رویکردهای کیفرزدایی، جرم زدایی و قضازدایی در راستای کاهش تراکم کاری محاکم کیفری و افزایش کیفیت آراء صادره متحول گشته است، اما آمار احکام کیفری ناصحیح ناشی از خطا، اشتباه یا سوءتئت قضات بیانگر ضعف اجرایی سیاست گذاری های کیفری در مواجهه با آثار سوء عوامل مؤثر بر تصمیمات قضات در امور کیفری می باشد. بنابراین سزاوار است که نظام قضایی کشور با پی ریزی یک سیاست کیفری جدید به طور خاص در تقابل با عوامل مؤثر بر رأی قضات در جهت تعدیل و کنترل صحیح اثرات عوامل مذکور و نیز آموزش مهارت های ضروری به قضات اقدامات لازم را برنامه ریزی نماید تا به هدف برتر نظام دادرسی کیفری یعنی برقراری نظم، امنیت و عدالت دست یابد.

منابع و مآخذ

- احمدی، حسین، احمدی، موسی، بررسی فقهی - حقوقی مسئولیت و مصونیت قاضی، مجله فقه و تاریخ تمدن اسلامی، دوره پنجم، شماره بیستم، تابستان ۱۳۸۸، ۱۷
- احمدی دهنوی، فرزاد؛ چراغی، محمد، سیاست های تقابل با اشتباهات قضایی، چاپ اول، تهران: نشر ندای کارآفرین؛ ۱۳۹۶
- انواری، اغلوییگ، بهرام، موسوی، سید محمد صادقی، واکاوی مستندات مسئولیت قانونی مبتنی بر تقصیر قاضی، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره نهم، شماره هفدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ۸
- انتقامی، کو توال، شکایت از قاضی، مجله کانون و کلا، شماره ۱۳۳۲، ۳۰، ۵۳
- باری، مجتبی، نظارت انتظامی بر رفتار قضات دادگستری، چاپ اول، تهران: نشر کتاب آوا، ۱۳۹۶
- بیات، محمدرضا، دادرسی انتظامی و تخلفات انتظامی قضات، چاپ اول، تهران، نشر تهران، ۱۳۹۸
- جمال لیوانی، فتح اله، مسئولیت انتظامی قضات در مراحل دادرسی بر اساس قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، ۱۳۹۴
- حیدرزاده، هادی، تعقیب انتظامی قضات، چاپ اول، تهران: انتشارات آزاد، ۱۳۷۳
- رزمان، علی، بررسی تخلفات انتظامی قضات، چاپ اول، تهران، نشر قانون یار، ۱۳۹۷
- زندی، محمدرضا، هشدارهای انتظامی قضات، جلد اول، چاپ سوم، نشر جنگل، ۱۳۹۴
- سیاییدی، علیرضا، جرایم و تخلفات انتظامی قضات و دادرسان، چاپ اول، نشر قانون یار، ۱۳۹۶
- سیفی، سحر، مسئولیت کیفری و انتظامی قضات، مجله شهر قانون، دوره اول، شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۹۳، ۱۳۰
- طهماسبی، جواد، فرآیند نظارت انتظامی بر رفتار قضات، مجله علمی پژوهشی وزارت علوم، دوره هفتاد و پنجم، شماره هفتاد و ششم، ۲۱۰، ۱۳۹۰

- کریم زاده، احمد، نظارت انتظامی در نظام قضایی ایران، انتشارات روزنامه رسمی کشور، جلد اول
- کریم زاده، احمد، نظارت انتظامی در نظام قضایی ایران، انتشارات روزنامه رسمی کشور، جلد دوم
- کریم زاده، احمد، نظارت انتظامی در نظام قضایی ایران، نشریه تخصصی آموزشی و حقوقی پیام آموزش، معاونت آموزش قوه قضاییه، قسمت چهارم، ۱۳۸۲، ۳۶
- ملکشاهی، احسان، استاندارهای عدالت کیفری در مرحله رسیدگی طبق آیین دادرسی کیفری سال ۹۲، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، ۱۳۹۵
- موسوی مقدم، مهری، اشتباهات قضایی: بخش کیفری، چاپ اول، نشر حقوق امروز، ۱۳۹۷
- معاونت آموزش دادگستری استان تهران، ماهنامه قضاوت، شماره ۳۰، ۱۳۸۴، ۲۳
- معاونت آموزش دادگستری استان تهران، ماهنامه قضاوت، شماره ۴۳، ۱۳۸۵، ۱۶
- معاونت آموزش دادگستری استان تهران، مجله قضاوت، شماره ۵۹، ۱۳۸۸
- معاونت آموزشی قوه قضائیه، بایدها و نبایدهای اخلاق و رفتار قضایی، مجله دادرسی، شماره هشتادم، ۱۳۸۹، ۷۶